



«مردم معمولی» یا مردم جلف؟

سریال جدید رامید جوان، جان کشاندن مخاطبان را پای سفره فیلمو ندارد

قرار است پشت آدم‌ها چیزی پنهان شود. سالنی شلوغ و پرجمعیت، کاراکترهایی که بین هم بور خورده‌اند و آهنگ و ساز و آواز و رقص. «مردم معمولی» به این شکل شروع می‌شود تا پشت چیزی پنهان شود. در واقع آنچه قرار است جان مایه این سریال باشد طنز است اما فقدان طنز از بیشتر از هر چیزی به چشم می‌آید. برای همین قسمت اول سریال «مردم معمولی» را با صدای آهسته تر گوش کنید تا از داد و فریاد و جیغ و هوار آدم‌ها در امان باشید. گاهی هم البته چند دقیقه‌ای جلوتر بروید چون قصه‌ای پیش‌رونده وجود ندارد. هرچند طرح اولیه سریال روی کاغذ می‌توانسته ایده‌ای با قابلیت‌های فراوان باشد اما تنها چیزی که کارگردان به شکلی سرسری از آن عبور می‌کند همان ایده جذاب است؛ ورود شاهزاده عرب.

رامید جوان اینجا یک پزشک زیبایی است که قصد دارد شاهزاده عرب را معاینه و جراحی کند. هیچ چیز اما برای ورود شاهزاده مهیا نیست. در واقع طنز قرار است جایی اتفاق بیفتد که با خرابکاری‌های اطرافیان، این طعمه از چنگ پزشک سر بخورد. ماجرا تا رسیدن شاهزاده چنان تنگ است که همه چیز کش می‌آید؛ موقعیت‌های تکراری، دیالوگ‌های خنک و روابطی که در سطحی بودن شان، لبخندی تعیین نشده است. البته قصه قرار است پراز خرده‌روایت‌ها نشان بدهد؛ زنی (الناز حبیبی) که می‌خواهد شوهرش (امیر نوروزی) را سرکیسه کند یا خواهر پزشک (شبنم مقدمی) که به جهت چندین فقره شکایت باید مجموعه تحت نظارش را پلمپ ببیند. با این حال دیالوگ‌ها و موقعیت‌ها چنان تصنعی پیش می‌روند که کوچک‌ترین لبخندی را در همان بدو امر روی لب می‌خشکانند. به خصوص دخترخاله‌هایی که چشم به دنبال شوهر هستند و بارها در مجموعه‌های طنز اینچنین نظیرش تکرار شده است.

در مجموع کمدی خانوادگی رامید جوان این بار بیننده را به این ذهنیت فرامی‌خواند که گویا کار رامید جوان تمام شده است. هرچند این اولین سریالی است که این چهره معروف تلویزیونی به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان در شبکه نمایش خانگی ارابه می‌دهد اما به عنوان یک مجموعه طنز، شروعی بسیار ناامیدکننده دارد. جوان که حدود یک دهه پیش قابلیت‌های کارگردانی خود را در کمدی‌هایی نظیر «ورود آقایان ممنوع» نشان داده است، اوایل دهه گذشته با «خندوانه» گل می‌کند و پس از آن به سمت ایده‌هایی جدی در سینما کشیده می‌شود که واکنش‌های فراوانی به همراه دارد؛ از جمله فیلم سینمایی «نگار» که نمی‌تواند حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد. هرچند حاشیه‌های «نگار» بیش از خود این فیلم سینمایی، حرف و حدیث به دنبال می‌آورد و در نهایت سراز کانادا درمی‌آورد. رامید جوان با این حال دوباره به «خندوانه» بازمی‌گردد و این بار، کم‌رقم‌تر از سابق این مجموعه را در تلویزیون دنبال می‌کند. حالا هم که سراغ ساخت سریالی رفته به نام «مردم معمولی» که معمولی‌تر از هر کار دیگری در کارنامه کاری اوست. تغییر در نوع رفتار، لحن خاص و گرمی نقش اول (رامید جوان) هم چیزی به ماجرا اضافه نمی‌کند. شما تنها شاهد تقلای شبنم مقدمی هستید که سعی دارد جای خالی آنچه ابتدای نوشته آورده‌اند را پر کند؛ طنز. با این حال فیلمنامه یا ایده‌هایی که مبتکرانه قرار است حین کار به مجموعه اضافه شوند، تهی‌تر از آن هستند که هیچ بازیگری بتواند کمک‌کار فقدان پرنس کمدی باشد. پزشک طبق آنچه انتظار داریم به جهت خرابکاری اطرافیان، طعمه راز دست می‌دهد تا به قسمت‌های بعدی برسیم؛ قسمت‌هایی که هر پنجشنبه از سوی فیلمو پخش می‌شود و باز هم چیز تازه‌ای ندارد. آنچه قرار است طنز ایجاد کند، گفت‌وگو‌هایی هستند که در بهترین حالت تبدیل به شوخی‌های صداسیمایی می‌شوند و موقعیت‌های اسلپ استیک می‌هم بی‌جان‌تر از آن هستند که به یک سریال کمدی ختم شود. تمثیلی وجود دارد که می‌گویند سالی که نکوست از بهارش پیداست. این تمثیل را گاهی به معنای ضد به کار می‌برند و به نظر مصداق آن «مردم معمولی» رامید جوان است. به نظر می‌رسد همین قسمت تا حدود زیادی تکلیف ماجرا را روشن کرده است؛ سریالی خنک که جان کشاندن مخاطبان را پای سفره فیلمو ندارد.



طارمی روی دست رونالدو مهدی جایزه پوشکاش رامی خواهد

با اینکه گل فوق‌العاده مهدی طارمی باعث صعود پورتو نشد، اما بارها در شبکه‌های اجتماعی مورد تمجید کاربران قرار گرفت

البنه علی دایی اولین بازیکن ایرانی تاریخ فوتبال بود که در فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ موفق شد دروازه چلسی را باز کند و حالا مهدی طارمی پس از ۲۱ فصل برابر این تیم انگلیسی گلزنی کرد. به نظر می‌رسد که بازیکنان ایرانی تخصص خاصی در گلزنی به چلسی دارند و این موضوع دستمایه طنزپردازی کاربران مجازی هم شده است. طارمی در حالی لیگ قهرمانان اروپا را به پایان رساند که در ۶ حضورش در این رقابت‌ها تنها یک بار برابر یوونتوس در ترکیب اصلی قرار گرفته بود و در همان مسابقه هم گل زد و در دیگر دیدارها به عنوان یار جانشین به میدان رفت. با این وجود، ملی‌پوش ایرانی پورتو شایستگی‌هایش را در دیدار حساس با چلسی بیشتر از همیشه به نمایش گذاشت و نگاه‌ها را به خود خیره کرد تا شاید با این گل، شانس جایزه پوشکاش (زیباترین گل سال فوتبال جهان) را هم داشته باشد؛ اتفاقی که اگر برای طارمی بیفتد، در تاریخ فوتبال ایران بی‌سابقه خواهد بود.

طی یک روز گذشته درباره اش بحث و بررسی صورت بگیرد. از پیچ لیگ قهرمانان که با جمله معروف «وات اگل» به استقبال آن رفت تا صفحاتی که این گل را بهترین گل این فصل لیگ قهرمانان و حتی گل پوشکاش معرفی کردند و البته گزارشگران فوتبال با زبان‌های مختلف که هر یک روایت خود از این گل را به طرفداران فوتبال عرضه داشتند. رونالدو در مرحله یک چهارم نهایی فصل ۲۰۱۷-۱۸ لیگ قهرمانان اروپا برابر یوونتوس دقیقاً چنین صحنه‌ای را رقم زده بود و حالا مهدی طارمی در همین مرحله این صحنه گل را برابر چلسی بازسازی کرد تا این دو گل از سوی رسانه‌ها و کاربران مجازی با یکدیگر مقایسه شوند. این گل دیدنی مهدی طارمی علاوه بر گل رونالدو، یادآور گل تماشایی علیرضا جهانبخش در فصل گذشته لیگ برتر انگلیس هم بود که با ضربه قیچی برگردان توانست دروازه چلسی را باز کند و حالا یک ایرانی دیگر برابری‌های لندن به این مهم دست یافت.

آخرین باری که در لیگ قهرمانان آسیا قیچی برگردانی به این زیبایی دیده بودیم، ضربه کریستیانو رونالدو با پیراهن رئال مادرید برابر یوونتوس بود؛ گلی که بارها درباره آن صحبت شد و حتی مورد تحلیل کارشناسان هم قرار گرفت. مهدی طارمی که امسال در پورتو حسابی درخشیده، در مرحله برگشت یک چهارم نهایی برابر چلسی از روی نیمکت کار را آغاز کرد و خیلی دیر وارد زمین شد. تیمش نتوانسته بود تا وقت‌های تلف شده نیمه دوم گلی را وارد دروازه رقیب انگلیسی کند و تقریباً کنار رفتن از لیگ قهرمانان را قبول کرده بود. در ثانیه‌های پایانی بازی توپ روی دروازه چلسی ارسال شد و مهاجم ایرانی پورتو با یک قیچی برگردان فوق‌العاده و ضربه‌ای غیرقابل مهار توپ را به گوشه دروازه شیرهای لندن فرستاد. این گل اگرچه به واسطه شکست دو بریک پورتو در بازی رفت باعث صعود یاران طارمی به نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا نشد، اما آنقدر زیبا و تماشایی بود که بارها

ابهام در دزدیده شدن کفش‌های یوزپلنگ ایرانی!

ماجرای دزدیده شدن کفش‌های حسن تفتیان در ورزشگاه امام رضا (ع) به یک موضوع پلیسی-ورزشی تبدیل شده است

شاید اکثر علاقه‌مندان به دوومیدانی این موضوع را دلیل موجهی برای رکورد ضعیف سریع‌ترین مرد ایران دانستند و کسی به او خرده نگرفت، اما رضایی، دبیر فدراسیون دوومیدانی موضوع دزدی کفش‌های تفتیان را رد می‌کند: «سرپرست هیأت دوومیدانی خراسان رضوی گفت که تمام دوربین‌ها را چک کرده و هیچ دزدی صورت نگرفته است. تمام دوربین‌ها کنترل شدند و واقعا چیزی از دزدی مطرح نیست. به نظرم حرفی که تفتیان در این باره مطرح می‌کند، با فیلم ثبت شده در دوربین‌ها متفاوته است.»



حالا این شائبه مطرح شده که حسن تفتیان شاید خواسته با این بهانه رکوردی که ثبت کرده را توجیه کند؛ اگرچه حاضران در ورزشگاه هم موضوع دزدی کفش او را رد نکردند. این ادعای دبیر فدراسیون دوومیدانی و سرپرست هیأت خراسان رضوی چیز دیگری است و باید دید چه واکنشی از سوی تفتیان در پی خواهد داشت. به هر حال با این اتفاقات شاید بیش از همه چیز کمی نگران وضعیت تنها دوندۀ ایرانی حاضر در المپیک توکیو باشیم؛ ورزشکاری که می‌گوید برای فینالیست شدن در دوی صدمتر دوورخیز کرده است.

بخش امنیتی ورزشگاه جا گذاشته و سپس نتوانسته آنها را پیدا کند. او درباره ارزش مادی این کفش‌ها هم گفته بود: «فکرمی‌کنم حدود ۱۰ میلیون قیمت این کفش‌ها باشد، اما مشکل اصل بحث مادی آن نبود. اولاً از این کفش‌ها در ایران نیست و ثانیاً اگر آقا دزده اجازه می‌داد من در این مسابقه با کفش‌هایم بدم، خودم بعد از مسابقه آن را برمی‌گردانم چون چند بار در ورزشگاه اعلام کردیم که هر کسی کفش‌ها را گرفته، بیاورد، اما خبری نشد.»

و آن را تحویل گرفته! به همین خاطر کاملاً بهم ریخته و مجبور شدم از یک دوندۀ ۸۰۰ متر کفش قرض بگیرم که به پایم هم بزرگ بود! دوست داشتم هر طور شده در مشهد قهرمان شوم و به همین خاطر اگر لازم بود، حتی پابرهنه هم می‌دویدم، اما استرس بدی قبل از مسابقه به من وارد شد.»

یوزپلنگ ایرانی خیلی قاطع درباره سرعت کفش‌هایش صحبت می‌کرد؛ اگرچه خودش هم اذعان داشت که در ابتدا کفش‌ها را در

فدراسیون دوومیدانی ایران توانست به شکل نسبتاً مناسبی مسابقات بین‌المللی جام امام رضا (ع) را با حضور ورزشکاران داخلی و خارجی به میزبانی ورزشگاه امام رضا (ع) مشهد برگزار کند. حسن تفتیان که یکی از دو ورزشکار المپیک دوومیدانی ایران به‌شمار می‌رود و برای رسیدن به رویای خود در المپیک به رکورد زیر ۱۰ ثانیه هم فکر می‌کند، در این رقابت به شکل غیرمنتظره‌ای در جایگاه دوم ایستاد و مدال طلا به یک دوندۀ عراقی رسید. رکورد ۱۰،۴۷ ثانیه اصلاً رکورد خوبی برای سریع‌ترین مرد ایران نبود و همه منتظرارایه یک پاسخ قانع‌کننده از سوی او بودند که مدتی هم در ادوی فرانسه به سر می‌برد.

تفتیان اما بعد از این نتیجه نسبتاً دور از انتظار در فاصله کمتر از ۴ ماه تا المپیک توکیو، از یک اتفاق عجیب و بدشانسی خود قبل از مسابقه پرده برداشت: «قبل از مسابقه و وقتی می‌خواستم گرم کنم، متوجه شدم که کفش‌هایم در کیفم نیست. همه جا را که چک کردیم، متوجه شدیم در دستگاه ایکس‌ری ورودی ورزشگاه کفش‌هایم بیرون افتاده و وقتی به مسئول آن بخش مراجعه کردیم، گفت که فرد دیگری اعلام کرده کفش‌ها متعلق به اوست